



From Traditional Diplomacy to Digital Diplomacy: Understanding the Transformations of the Foreign Policy of the Zionist Regime in the Age of Artificial Intelligence

parhampourramezan¹

Abstract

Extensive transformations in the digital age, along with remarkable advances in artificial intelligence, have fundamentally reshaped the traditional foundations of foreign policy. In this context, the Zionist regime, which has consistently emphasized technological development and innovation, represents a prominent example of employing digital tools in the realm of diplomacy. The shift from traditional diplomacy to digital diplomacy is not merely a change in method, but rather a deliberate, precise, and sophisticated strategy aimed at expanding influence regionally and globally. The primary objective of this research is to examine the process through which the Zionist regime has transitioned from traditional to digital diplomacy and to elucidate the role of artificial intelligence in this transformation. The central research question asks: how have digital tools and advanced technologies—particularly artificial intelligence—redefined the role and function of the foreign policy of the Zionist regime? The working hypothesis rests on the assumption that by leveraging artificial intelligence and technological infrastructures, the regime has been able to establish a dynamic, multidimensional, and purposeful model of digital diplomacy. This model goes beyond conventional diplomatic practices by employing tools such as data mining, social network analysis, and information operations. The findings suggest that digital diplomacy, grounded in artificial intelligence, has both expanded the regime’s informational influence at regional and global levels and reshaped its image in global public opinion. These transformations have steered its foreign policy toward a data-driven, flexible, and real-time communication-oriented framework, distancing it from traditional paradigms. This evolution has not only affected the international relations of the Zionist regime but has also transformed the very nature of diplomatic interactions in the contemporary era.

Keywords: Digital Diplomacy, Artificial Intelligence, Foreign Policy, Soft Power, Zionist Regime

1. researcher, Conflict and Cooperation in the Middle East Research Group, Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East, Tehran, Iran E-mail: ac.ir.parhampourramezan@ut.ac.ir



دوره

سال

فصل سال

صص: ۱۱-۰۰۰

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



پرهام پور رمضان

چکیده

تحولات گسترده در عصر دیجیتال و پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه هوش مصنوعی، بنیان‌های سنتی سیاست خارجی را دگرگون ساخته‌اند. در این میان، رژیم صهیونیستی که همواره بر توسعه فناوری و نوآوری تأکید داشته، نمونه بارزی از به کارگیری ابزارهای دیجیتال در عرصه دیپلماسی است. حرکت از دیپلماسی سنتی به سمت دیپلماسی دیجیتال، صرفاً یک تغییر روش نبوده، بلکه یک استراتژی حساب‌شده، دقیق و شگرف برای افزایش نفوذ در منطقه و جهان محسوب می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، واکاوی چگونگی گذار رژیم صهیونیستی از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دیجیتال و تبیین نقش هوش مصنوعی در این فرآیند است. پرسش محوری این است که چگونه ابزارهای دیجیتال و فناوری‌های پیشرفته، به ویژه هوش مصنوعی، باعث بازتعریف نقش و کارکرد سیاست خارجی رژیم صهیونیستی شده‌اند؟ همچنین فرضیه تحقیق بر این پایه استوار است که رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و زیرساخت‌های فناورانه، توانسته دیپلماسی دیجیتالی پویا، چندبعدی و هدفمندی را شکل دهد که فراتر از روش‌های مرسوم دیپلماتیک، از ابزارهایی مانند داده‌کاوی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی و عملیات اطلاعاتی بهره می‌برد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی با تکیه بر هوش مصنوعی، هم نفوذ اطلاعاتی این کشور را در سطح منطقه و جهان گسترش داده و هم تصویر آن را در افکار عمومی جهانی بازسازی کرده است. این تغییرات، سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را به سمت الگویی مبتنی بر داده، انعطاف‌پذیر و متکی بر ارتباطات لحظه‌ای سوق داده و آن را از چارچوب‌های سنتی دور ساخته است. این تحول نه تنها بر روابط بین‌المللی رژیم صهیونیستی تأثیر گذاشته، بلکه ماهیت تعاملات دیپلماتیک را در عصر جدید دگرگون کرده است

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی دیجیتال، هوش مصنوعی، سیاست خارجی، قدرت نرم، رژیم صهیونیستی

مقدمه (B Zar: 14; Bold)

در جهان امروز، تحولات سریع فناوری، ماهیت سیاست خارجی و ابزارهای دیپلماتیک را دگرگون ساخته است. دیگر نمی‌توان دیپلماسی را صرفاً به کانال‌های رسمی و روش‌های سنتی محدود دانست. ظهور فناوری‌های دیجیتال، گسترش رسانه‌های اجتماعی و پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه هوش مصنوعی، مفاهیم کلاسیک روابط بین‌الملل را زیر سؤال برده و کشورها را وادار به بازنگری در شیوه‌های تعامل با جهان خارج کرده‌اند. در این میان، رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از پیشروترین ساختارهای سیاسی در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، موفق شده الگوی جدیدی از دیپلماسی را تحت عنوان «دیپلماسی دیجیتال» توسعه دهد که تفاوت‌های بنیادینی با روش‌های مرسوم دارد.

مسئله اصلی این پژوهش بررسی چگونگی به کارگیری هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال توسط رژیم صهیونیستی در تحول سیاست خارجی این ساختار سیاسی است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد فناوری دیگر صرفاً یک ابزار کمکی نیست، بلکه به عاملی تعیین‌کننده در بازتعریف راهبردهای سیاست خارجی تبدیل شده است. تحلیل رفتار رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد این ساختار سیاسی با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته، پردازش کلان‌داده‌ها و عملیات روانی در فضای سایبر، توانسته هم نفوذ بین‌المللی خود را افزایش دهد و هم تصویر خود را در رسانه‌های جهانی به شکل هدفمندی مدیریت کند. این رویکرد به رژیم صهیونیستی امکان داده نه فقط در سطح رسمی دولت‌ها، که در عرصه افکار عمومی جهانی نیز حضوری مؤثر و حساب‌شده داشته باشد.

اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که به وضعیت کشورهای منطقه از جمله کشورهای کم‌تر توسعه یافته نگاه کنیم. بسیاری از این کشورها هنوز در مراحل ابتدایی ادغام فناوری‌های نوین با دیپلماسی خود هستند. مطالعه دقیق تجربه رژیم صهیونیستی می‌تواند هشدارهای راهبردی برای کشورهایی باشد که از این تحولات عقب مانده‌اند. رژیم صهیونیستی از طریق تحلیل رفتار کاربران در شبکه‌های اجتماعی، ساخت پروفایل‌های روان‌شناختی و اجرای کمپین‌های اطلاعاتی، به دنبال تقویت قدرت نرم خود، کسب مشروعیت بین‌المللی و تضعیف رقبای منطقه‌ای از جمله ایران است.

در این چارچوب، هوش مصنوعی نقشی محوری ایفا می‌کند. از پیش‌بینی رفتار بازیگران بین‌المللی گرفته تا شناسایی فرصت‌های دیپلماتیک و تولید پیام‌های هدفمند برای گروه‌های خاص، همه و همه با کمک این فناوری انجام می‌شود. این تحول باعث شده مرزهای سنتی میان دیپلماسی، تبلیغات و عملیات اطلاعاتی به تدریج محو شود. دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی دیگر صرفاً ابزاری برای ارتباط نیست، بلکه به سلاحی مؤثر در جنگ روایت‌ها و نبرد نرم تبدیل شده که قادر است مشروعیت نظام‌های مخالف را در سطح داخلی و بین‌المللی هدف قرار دهد.

برای ایران، درک این تحولات از چند جهت حیاتی است. اولاً بی‌توجهی به این روند ممکن است به انفعال راهبردی در برابر تغییرات عمیق در شیوه‌های اعمال قدرت بین‌المللی منجر شود. ثانیاً شناخت این مکانیسم‌ها می‌تواند به طراحی پاسخ‌های هوشمندانه و توسعه دیپلماسی دیجیتال بومی کمک کند. نمونه‌های عینی مانند تلاش رژیم صهیونیستی برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی از طریق کمپین‌های سایبری و عملیات شناختی، نشان می‌دهد که در عصر حاضر، ابزارهای تأثیرگذاری بسیار متنوع‌تر و مرزهای دیپلماتیک سیال‌تر از گذشته شده‌اند.

موضوع دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی فراتر از یک مطالعه موردی فناورانه است؛ این پدیده بازتابی از دگرگونی بنیادین در ماهیت سیاست خارجی در عصر اطلاعات محسوب می‌شود. برای ایران، این تغییرات نه یک چالش صرفاً تکنولوژیک، که مسئله‌ای امنیتی، فرهنگی و راهبردی است که نیازمند برنامه‌ریزی همه‌جانبه است. توسعه زیرساخت‌های فناورانه، تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده، و ادغام این ظرفیت‌ها با دیپلماسی رسمی، از جمله ضرورت‌های پیش‌روی سیاست خارجی ایران است. کشورهایی که در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند، خواهند توانست با هزینه کمتر و تأثیر بیشتر، منافع ملی خود را در صحنه جهانی پیگیری نمایند. در مقابل، غفلت از این تحولات می‌تواند به کاهش نفوذ راهبردی و افزایش آسیب‌پذیری در برابر عملیات روانی دشمنان بینجامد.

درک عمیق از مدل دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی و تحلیل راهبردی آن، به ویژه در بستر تحولات منطقه‌ای، برای ایران اهمیتی حیاتی دارد. بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های مشابه می‌تواند جایگاه بین‌المللی ایران را تقویت کرده و توانایی مقابله با جنگ روایت‌ها را افزایش دهد. در مقابل، نادیده گرفتن این تحولات نه تنها به معنای عقب‌ماندگی فناورانه، که به معنی محدود شدن دامنه نفوذ و مانور ایران در صحنه منطقه‌ای و جهانی خواهد بود. این واقعیت، لزوم بازنگری جدی در شیوه‌های سنتی دیپلماسی و توجه فزاینده به ابزارهای دیجیتال را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

ادبیات نظری (B Zar: 14; Bold)

تبیین مفاهیم پایه

هوش مصنوعی^۱:

هوش مصنوعی از نگاه برخی صاحب نظران، به قابلیت ملموس سیستم‌های مصنوعی اشاره دارد که می‌توانند مانند انسان‌ها به انجام وظایف مختلف بپردازند، مسائل را حل کنند، ارتباط برقرار نمایند، با محیط اطراف تعامل داشته باشند و بر اساس استدلال‌های منطقی عمل کنند. این دیدگاه بر این باور است که ماشین‌ها می‌توانند توانایی‌هایی مشابه موجودات زنده و هوشمند از خود نشان دهند. (Gil de Zúñiga, et al, 2023, pp.2-3) دیدگاه دیگری وجود دارد که هوش مصنوعی را نوعی فناوری پیشرفته می‌داند. این فناوری به سیستم‌های رایانه‌ای و دستگاه‌های مکانیکی این قابلیت را می‌دهد که فرآیندهای شناختی انسانی مانند یادگیری از تجربیات، درک اطلاعات پیچیده، یافتن راه حل برای مشکلات مختلف، اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه، تولید ایده‌های نوآورانه و حتی عمل کردن با درجاتی از استقلال را تقلید کنند. این نگاه بر جنبه کاربردی و شبیه‌سازی هوش مصنوعی تأکید دارد. (IBM, 2024)

سیاست خارجی^۲:

دیپلماسی را می‌توان هنر مدیریت روابط یک دولت با جهان خارج دانست که برای تحقق این هدف، از ابزارها و مکانیسم‌های متنوعی استفاده میشود. در سنت روابط بین الملل، ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی همواره به عنوان سه پایه اصلی سیاست خارجی مطرح بوده‌اند، به گونه‌ای که کشورها معمولاً منافع ملی خود را در چارچوب این سه حوزه تعریف کرده و سیاست‌های خود را با ابزارهای مرتبط با همین عرصه‌ها پیش می‌برند. با این حال، بسیاری از نظریه پردازان و کارشناسان روابط بین الملل بر این باورند که فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی، به عنوان رکن چهارم سیاست خارجی عمل می‌کنند که نه تنها در کنار سه حوزه سنتی قرار می‌گیرد، بلکه در موارد بسیاری به عنوان بنیان و خاستگاه لایه‌های زیرین آن سه حوزه نیز عمل می‌کند. این نگاه جامع‌تر نشان می‌دهد که تأثیر فرهنگ بر روابط بین الملل فراتر از یک عامل مکمل است و می‌تواند نقش

1- Artificial Intelligence

2- Foreign Policy

تعیین کننده ای در شکل دهی به رویکردهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی دولتها داشته باشد. (خانی، ۱۳۸۴:۱۳۶)

دیپلماسی دیجیتال ۱:

ویلسون دیزارد، که اصطلاح دیپلماسی دیجیتال را ابداع کرده، آن را به عنوان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه سیاست و تجارت خارجی تعریف میکند. از نظر او، این مفهوم به معنای انجام دیپلماسی از طریق اینترنت و فضای مجازی است. دیجیتالی شدن یا الکترونیکی شدن فرآیندی است که در آن انسان با بهره‌گیری از ابزارها، فناوریها و رسانه‌های دیجیتالی مانند شبکه اینترنت و رایانه، به تولید، تکثیر، توزیع و انتشار نمادها و معانی می‌پردازد و از این طریق زندگی خود را سازماندهی و معنا می‌بخشد. اهمیت دیپلماسی دیجیتال صرفاً به دلیل افزایش کاربران رسانه‌های جمعی نیست، بلکه اساساً شیوه تعامل دولتها با شهروندان را دگرگون کرده و روابط سنتی مربوط به حکمرانی و کشورداری را نیز تحت تأثیر قرار داده است. (فرهنگی و دیگران، ۱۳۹۳:۹۴)

نظریه رئالیسم نوکلاسیک ۲:

واقع‌گرایی نوکلاسیک با حفظ تمرکز بر مفهوم قدرت به عنوان محور اصلی، بر این نکته تأکید دارد که انتخاب‌های سیاست خارجی در نهایت توسط تصمیم‌گیرندگان و رهبران سیاسی شکل می‌گیرد. از این منظر، درک و برداشت این نخبگان از توازن قدرت از اهمیت حیاتی برخوردار است و صرف وجود منابع فیزیکی و ملموس قدرت به تنهایی تعیین‌کننده رفتار دولتها نیست. این مکتب فکری همچنین خاطر نشان می‌کند که رهبران سیاسی همواره آزادی عمل مطلق در بسیج و هدایت منابع ملی مطابق میل خود را ندارند. واقع‌گرایان نئوکلاسیک معتقدند تحلیل قدرت باید شامل ارزیابی ساختار دولتها و روابط آنها با جامعه نیز باشد، چرا که این عوامل تأثیر بسزایی در تخصیص منابع به سیاست خارجی دارند. این دیدگاه توضیح می‌دهد که چرا کشورهای با توانمندی‌های مادی مشابه اما ساختارهای داخلی متفاوت، رفتارهای سیاست خارجی یکسانی از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین، این نظریه پیشنهاد می‌کند که برای درک ارتباط بین

1- Digital Diplomacy

2- Theory Neoclassical Realism

قدرت و سیاست، باید بستر خاصی را که سیاست خارجی در آن شکل گرفته و اجرا می‌شود، به دقت مورد بررسی قرار داد. (برزگر و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۷) نظریه نئورئالیسم کلاسیک که توسط کنت والتز در کتاب "نظریه سیاست بین‌الملل" (۱۹۷۹) ارائه شد، یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های تحلیلی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. این نظریه با تلفیق اصول رئالیسم کلاسیک و رویکرد ساختاری، تحلیلی نظام‌مند از رفتار دولتها در عرصه جهانی ارائه می‌دهد. در هسته مرکزی این نظریه، مفهوم آنارشی بین‌المللی قرار دارد که به معنی عدم وجود مرجع مرکزی فراتر از دولتهاست. این وضعیت آنارشیک، دولتها را مجبور می‌کند که برای تضمین بقای خود به خوداتکایی روی آورند و همواره در پی افزایش قدرت باشند. والتز با تأکید بر ساختار نظام بین‌الملل، معتقد است که رفتار دولتها بیش از آنکه ناشی از ویژگی‌های داخلی آنها باشد، تحت تأثیر فشارهای ناشی از ساختار نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد. (Nelwan, 2021: 146) برخلاف رئالیسم کلاسیک که بر گسترش قدرت تأکید داشت، نئورئالیسم بقا را هدف نهایی دولتها می‌داند. در این چارچوب، دولتها به‌طور مستمر در حال ارزیابی توزیع قدرت در سطح بین‌المللی هستند و بر اساس آن به موازنه قدرت یا دنباله‌روی از قدرت‌های مسلط می‌پردازند. این نظریه با ارائه تحلیلی ساختارمحور، سعی در توضیح الگوهای تکرارشونده در روابط بین‌الملل دارد، از جمله شکل‌گیری اتحادها، رقابت‌های امنیتی و دینامیک نظام‌های چندقطبی یا دوقطبی.

(Krasner, 2009: 262) با این حال، نئورئالیسم کلاسیک با انتقاداتی نیز مواجه است. منتقدان معتقدند که این نظریه با تمرکز افراطی بر ساختار نظام بین‌الملل، نقش عوامل داخلی مانند نهادهای سیاسی، ایدئولوژی و هنجارهای اجتماعی را نادیده می‌گیرد. همچنین، این نظریه در توضیح پدیده‌هایی مانند همکاری‌های فراملی یا نقش نهادهای بین‌المللی ضعیف دارد. با این وجود، نئورئالیسم به‌عنوان یکی از نظریه‌های محوری در تحلیل سیاست بین‌الملل باقی مانده و چارچوبی ارزشمند برای درک رفتار دولتها در شرایط آنارشیک ارائه می‌دهد.

نگارنده معتقد است که رئالیسم نوکلاسیک برای تحلیل تحولات دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی در عصر هوش مصنوعی مناسب است، زیرا این نظریه با ترکیب عوامل ساختاری نظام بین‌الملل و متغیرهای داخلی مانند فناوری و نخبگان سیاسی، چارچوبی تحلیلی برای فهم استفاده هدفمند رژیم صهیونیستی از هوش مصنوعی در پیشبرد منافع ملی ارائه می‌دهد. این نظریه نشان

می‌دهد چگونه دیپلماسی دیجیتال و ابزارهای هوش مصنوعی - از جنگ روایی در فضای مجازی تا عملیات سایبری - به ابزارهای جدید قدرت تبدیل شده‌اند که هم بازتاب سیاست‌گذاری داخلی رژیم صهیونیستی در حوزه فناوری است و هم پاسخی راهبردی به محیط امنیتی پیچیده خاورمیانه محسوب می‌شود.

پیشینه پژوهش (B Zar: 14; Bold)

پیشینه در قالب جدول نمونه و با استفاده از منابع داخلی و خارجی (عمدتاً در پنج سال اخیر) و ارتباط منطقی با مسئله پژوهش گزارش گردد. در انتها، نوآوری تحقیق در قالب یک پاراگراف بیان گردد. (B Zar: 12)

جدول ۱. پیشینه پژوهش (B Zar: 12) (متن داخل جدول؛ B Lotus 10)

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش) (B Lotus 10)	عنوان پژوهش (B Lotus 10)	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش (B Lotus 10)
۱	تابانسکی و دیگران ^۱ (۲۰۱۵)	اکوسیستم ملی نوآوری در اسرائیل. مطالعه موردی: امنیت سایبری در اسرائیل	سیاست‌های امنیت سایبری ملی و شرایط خاص ملی لزوماً در هم تنیده هستند. امنیت سایبری ملی اسرائیل به بهترین وجه در چارچوب استراتژی کلان اسرائیل قابل درک است. اکوسیستم نوآوری ملی منحصر به فرد که اسرائیل حتی قبل از استقلال ملی در حال توسعه آن بوده است، از اصل استراتژیک کیفیت بر کمیت سرچشمه می‌گیرد. این اکوسیستم اکنون شامل خدمات ارتش اسرائیل، تحقیق و توسعه تجاری داخلی و خارجی، تحقیق و توسعه دفاعی، دانشگاه‌های تحقیقاتی عمومی و سازمان‌های دولتی است. این اکوسیستم با نزدیکی جغرافیایی و نهادی نزدیک و استقلال نسبی بازیگران شرکت‌کننده

1- Tabansky, L., Ben Israel

جدول ۱. پیشینه پژوهش (B Zar: 12) (متن داخل جدول؛ B Lotus 10)

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش) (B Lotus 10)	عنوان پژوهش (B Lotus 10)	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش (B Lotus 10)
			مشخص می‌شود. فرهنگ اسرائیلی که ابتکار عمل، تدبیر و آزمایش را تشویق می‌کند، مکمل سازوکارهای نهادی است.
۲	مانور و دیگران ^۱ (۲۰۲۲)	دیجیتالی شدن دیپلماسی عمومی: مفاهیم، روندها و چالش‌ها. ارتباطات و عموم مردم	بر اساس مفهوم شفافیت به عنوان هسته اصلی فناوری رسانه‌های اجتماعی، نگارندگان خاطرنشان کردند که شکل دیپلماسی نیز باید بازتر شود، به ویژه در دیپلماسی عمومی. مذاکرات دیپلماتیک مخفی سنتی به دلیل دیجیتالی شدن، تحت نظارت جهانی کاربران اینترنتی قرار دارند. بنابراین، مردم می‌خواهند دیپلمات‌ها در فعالیت‌های حرفه‌ای خود بازتر و شفاف‌تر باشند
۳	پالتیلی ^۲ (۲۰۲۲)	چشم‌اندازهای نوآوری و سیاست: ابتکارات هوش مصنوعی اسرائیل	مشابه سایر مباحث مربوط به استراتژی‌های ملی هوش مصنوعی، مورد اسرائیل نشان می‌دهد که چگونه چشم‌اندازهای ملی نوآوری، چشم‌انداز اجرای هوش مصنوعی در جامعه را شکل می‌دهد. با این حال، همچنین نشان می‌دهد که چگونه یک اخلاق خاص و ریشه‌دار در فرهنگ اسرائیل باعث شده است که اسرائیل مسیر متفاوتی را انتخاب کند و به جای «استراتژی ملی»، بر «برنامه ملی» تمرکز کند. دلیل انتخاب چنین مسیری، حفظ

1- Ilan Manor and Zhao Alexandre Huang

2- Paltieli

جدول ۱. پیشینه پژوهش (B Zar: 12) (متن داخل جدول؛ B Lotus 10)

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش) (B Lotus 10)	عنوان پژوهش (B Lotus 10)	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش (B Lotus 10)
			چابکی و ترویج نوآوری بود
4	الجرف (۲۰۲۵)	رویکرد هوش مصنوعی به بحران غزه و اسرائیل	ترجمه با هریک از هوش مصنوعی‌ها همانند چت جی پی تی یا دیپ سیک می‌تواند رویکرد متفاوت نسبت به امنیت اسرائیل ایجاد کند به طوری که چت جی پی تی حمایت فزاینده و دیپ سیک حمایت کمتری از منفعت و امنیت ملی اسرائیل در این بحران انجام داده‌اند
5	شنارک (۲۰۲۴)	اکوسیستم نوآوری اسرائیل به عنوان طرحی برای همگرایی زیستی	در سال ۲۰۱۸، ساختار سیاسی اسرائیل یکی از اولین رژیم‌های جهان بود که حوزه همگرایی زیستی را به عنوان یک حوزه امیدوارکننده با پتانسیل اقتصادی فوق‌العاده به رسمیت شناخت. اسرائیل تشخیص داد که این حوزه می‌تواند برخی از چالش‌های کلیدی پیش روی جهان در دهه‌های آینده، مانند سلامت، امنیت، آب و هوا و موارد دیگر، و همچنین چالش‌هایی که با آن مواجه است را برطرف کند. اداره نوآوری اسرائیل، یک بازوی دولتی که صنعت فناوری پیشرفته کشور را ترویج می‌دهد، برای ترویج یک طرح ملی، شروع به ترویج مفهوم همگرایی زیستی در میان رهبران تحقیق و توسعه ملی کرد. در سال ۲۰۲۲، آکادمی علوم و علوم انسانی اسرائیل در اسرائیل طرحی را منتشر کرد

جدول ۱. پیشینه پژوهش (B Zar: 12) (متن داخل جدول؛ B Lotus 10)

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش) (B Lotus 10)	عنوان پژوهش (B Lotus 10)	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش (B Lotus 10)
			که توسط همه نهادهای تحقیق و توسعه در دولت اسرائیل پذیرفته شد و با هدف پیشبرد این حوزه به روش‌های مشخص و با هدف تغذیه یک موتور رشد اقتصادی جدید در اسرائیل راه‌اندازی شد.

روش‌شناسی پژوهش (B Zar: 14; Bold)

روش پژوهش کیفی با رویکرد توصیف و تحلیل بر درک عمیق از پدیده‌ها در بستر واقعی آن‌ها تمرکز دارد و هدف آن، تبیین تجربه‌ها، معانی و برداشت‌های افراد است. در این رویکرد، پژوهشگر ابتدا داده‌ها را از طریق ابزارهایی همچون مصاحبه، مشاهده یا بررسی اسناد گردآوری کرده و سپس با توصیف دقیق جزئیات و ویژگی‌های پدیده، تصویری شفاف از آن ارائه می‌دهد. در گام بعد، داده‌ها با دقت تحلیل شده و روابط میان مضامین و الگوهای اصلی استخراج می‌شود. این فرایند به پژوهشگر امکان می‌دهد تا علاوه بر بازنمایی واقعیت اجتماعی، لایه‌های پنهان معنا را آشکار سازد و درک جامع‌تری از زمینه و موقعیت مورد مطالعه به دست آورد. (B Zar: 12)

یافته‌های پژوهش (B Zar: 14; Bold)

۱- تحولات سیاست خارجی رژیم صهیونیستی از دیپلماسی سنتی به دیجیتال رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین ساختارهای سیاسی در حوزه فناوری، از تکنولوژی به‌عنوان ابزاری کلیدی در سیاست خارجی خود استفاده می‌کند. این رژیم با توسعه فناوری‌های دفاعی مانند سامانه‌های موشکی «گنبد آهنین» و پهپادهای پیشرفته، نه تنها به ظاهر امنیت خود را تقویت کرده، بلکه این فناوری‌ها را به ابزاری برای تأثیرگذاری دیپلماتیک تبدیل کرده است. صادرات نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی به کشورهای مختلف، از جمله هند و برخی

کشورهای عربی، به ایجاد روابط استراتژیک و تغییر معادلات منطقه‌ای منجر شده است. همچنین، همکاری‌های فناورانه در حوزه‌هایی مانند سایبری، هوش مصنوعی و کشاورزی پیشرفته، به ابزاری برای نفوذ اقتصادی و سیاسی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه فناوری می‌تواند به‌عنوان اهرمی قدرتمند در دیپلماسی عمل کند. (Marcella,2022:32)

در سال‌های اخیر، رژیم صهیونیستی از دیپلماسی فناوری برای عادی‌سازی روابط با برخی کشورهای عربی استفاده کرده است. توافق‌های «آبراهام» نمونه‌ای بارز از این استراتژی هستند، جایی که همکاری‌های مشترک در حوزه‌های مانند آب، انرژی و فناوری‌های دیجیتال، به کاهش تنش‌ها و ایجاد اعتماد متقابل کمک کرد. شرکت‌های رژیم صهیونیستی در حوزه‌هایی مانند امنیت سایبری و مدیریت آب به‌عنوان بازیگرانی کلیدی در منطقه ظاهر شده‌اند و این موقعیت را برای رژیم صهیونیستی فراهم کرده‌اند تا از فناوری به‌عنوان ابزاری برای صلح و همکاری استفاده کند. این روند نشان می‌دهد که فناوری نه تنها در بعد نظامی، بلکه در دیپلماسی اقتصادی نیز نقش حیاتی ایفا می‌کند. (Hassib,2024:2410)

با این حال، نقش فناوری در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی با چالش‌هایی نیز همراه است. انتقادهای بین‌المللی نسبت به استفاده رژیم صهیونیستی از فناوری‌های نظارتی در سرزمین‌های اشغالی، وجهه این رژیم را در برخی محافل تحت تأثیر قرار داده است. همچنین، رقابت فناورانه با قدرت‌هایی مانند ایران، باعث شده رژیم صهیونیستی همواره نیاز به نوآوری و حفظ برتری تکنولوژیک خود داشته باشد. در عین حال، وابستگی برخی کشورها به فناوری رژیم صهیونیستی، این رژیم را در موقعیتی تأثیرگذار قرار داده، اما افزایش رقابت‌های جهانی در حوزه فناوری ممکن است در بلندمدت این مزیت را کاهش دهد. بنابراین، رژیم صهیونیستی باید بین توسعه فناوری و ملاحظات اخلاقی! و سیاسی تعادل برقرار کند تا نقش خود را به‌عنوان یک قدرت فناورانه حفظ کند. (Tanvir,2024:80)

رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از مزیت رقابتی خود در حوزه فناوری‌های سایبری، به تدریج دیپلماسی سایبری را به یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی خود تبدیل کرده است. این رژیم که به «ملت استارت‌آپی» معروف است، با ایجاد مراکز تحقیقاتی پیشرفته و شرکت‌های امنیت سایبری در سطح جهانی، توانسته جایگاه ویژه‌ای در عرصه دیپلماسی دیجیتال

کسب کند. وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی با تأسیس اداره ویژه دیپلماسی سایبری در سال ۲۰۱۲، گام بلندی در نهادینه‌سازی این رویکرد برداشت. همکاری‌های امنیت سایبری با کشورهایی مانند هند، امارات و سنگاپور، به ابزاری مؤثر برای گسترش نفوذ سیاسی تل‌آویو تبدیل شده است. این دیپلماسی نوین نه تنها امنیت ملی رژیم صهیونیستی را تقویت کرده، بلکه فرصت‌های اقتصادی بی‌شماری نیز برای این رژیم ایجاد نموده است. (Lubin, 2020: 28)

دیپلماسی سایبری رژیم صهیونیستی در عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی نقش کلیدی ایفا کرده است. پس از توافق‌های آبراهام، همکاری‌های مشترک در زمینه امنیت سایبری به یکی از محورهای اصلی روابط رژیم صهیونیستی با امارات و بحرین تبدیل شد. برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی سایبری در تل‌آویو با حضور مقامات کشورهای مختلف، بستری برای نمایش توانمندی‌های رژیم صهیونیستی و گسترش شبکه دیپلماتیک آن فراهم کرده است. رژیم صهیونیستی از ظرفیت شرکت‌های نوپای سایبری خود به‌عنوان ابزاری برای نفوذ در بازارهای جهانی و ایجاد پیوندهای استراتژیک استفاده می‌کند. این رویکرد باعث شده تا تل‌آویو بتواند از رهگذر فناوری، محدودیت‌های ناشی از تنش‌های تاریخی خود در منطقه را تا حد زیادی با بر ساخت‌ها تقلیل دهد. (Syafaat, 2024: 120)

با این حال، دیپلماسی سایبری رژیم صهیونیستی با چالش‌ها و انتقادهای بین‌المللی نیز مواجه است. استفاده این رژیم از فناوری‌های جاسوسی مانند نرم‌افزارهای گروه ان‌اس‌او در برخی موارد موجب اعتراض نهاد‌های حقوق بشری و کشورهای مختلف شده است. رقابت فزاینده قدرت‌های جهانی مانند آمریکا و چین در حوزه سایبر نیز موقعیت انحصاری رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار داده است. با وجود این چالش‌ها، به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی همچنان به توسعه و تقویت دیپلماسی سایبری خود به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای سیاست خارجی در عصر دیجیتال ادامه خواهد داد.

رژیم صهیونیستی در گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دیجیتال، تحولی بنیادین در ابزارهای دیپلماتیک خود ایجاد کرده است. این رژیم با جایگزینی کانال‌های دیجیتال مانند شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های ویناری و دیپلماسی داده‌محور به جای روش‌های سنتی، دامنه نفوذ خود را گسترش داده است. وزارت خارجه رژیم صهیونیستی با ایجاد واحدهای ویژه مانند اداره

دیپلماسی دیجیتال و سایبری، ساختاری منعطف برای این تحول طراحی کرده است. ابزارهایی مانند اپلیکیشن‌های دیپلماتیک و پلتفرم‌های اشتراک اطلاعات، امکان تعامل مستقیم با شهروندان رژیم هدف را فراهم آورده‌اند. این تحول ابزاری، سرعت و دامنه تأثیرگذاری دیپلماتیک رژیم صهیونیستی را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. (Shalash,2023:256)

در این تحول دیپلماتیک، بازیگران جدیدی به عرصه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی وارد شده‌اند. شرکت‌های فناوری و استارت‌آپ‌های سایبری رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگران نیمه‌دولتی، نقش فعالی در پیشبرد اهداف دیپلماتیک پیدا کرده‌اند. متخصصان امنیت سایبری و مدیران شرکت‌های نوپا گاهی حتی بیشتر از دیپلمات‌های حرفه‌ای در تعاملات بین‌المللی ظاهر می‌شوند. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی فناوری نیز به کانون‌های جدید دیپلماسی عمومی تبدیل شده‌اند. این تنوع بازیگری باعث شده دیپلماسی رژیم صهیونیستی از انحصار نهادهای رسمی خارج شود و به پدیده‌ای چندوجهی تبدیل گردد. (Song,2024:419)

این تغییر در ابزارها و بازیگران دیپلماتیک، هم‌زمان چالش‌های جدیدی برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. کاهش کنترل مرکزی بر فرآیندهای دیپلماتیک ممکن است به انسجام سیاست خارجی آسیب بزند. همچنین، وابستگی به فناوری‌های دیجیتال، آسیب‌پذیری در برابر حملات سایبری را افزایش داده است. رقابت فزاینده بین بازیگران سنتی و جدید گاهی منجر به تضاد منافع می‌شود. با این حال، رژیم صهیونیستی با ایجاد مکانیسم‌های هماهنگی بین نهادهای دولتی و بازیگران خصوصی، سعی در مدیریت این تحول دارد. این تجربه نشان می‌دهد که دیپلماسی در عصر دیجیتال نیازمند بازتعریف مداوم ابزارها و بازیگران است.

۲- کاربردهای هوش مصنوعی در سیاست خارجی و دیپلماسی رژیم صهیونیستی
 رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین سیستم‌های هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، الگوریتم‌هایی طراحی کرده است که قادر به تحلیل حجم عظیمی از داده‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند. این الگوریتم‌ها با پردازش اطلاعاتی مانند سخنرانی‌های مقامات خارجی، تحرکات نظامی، تحولات بازارهای مالی و حتی فعالیت‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی، الگوهای پنهان را شناسایی می‌کنند. مراکز تحقیقاتی رژیم صهیونیستی مانند یگان ۸۲۰۰ ارتش و شرکت‌های امنیتی-نظامی، مدل‌های پیش‌بینی را توسعه داده‌اند که می‌توانند واکنش‌های احتمالی

کشورها به تصمیمات سیاسی تل آویو را شبیه‌سازی کنند. این سیستم‌ها با ترکیب داده‌های تاریخی و روندهای فعلی، سناریوهای مختلفی برای تحولات آتی ارائه می‌دهند. دقت این پیش‌بینی‌ها به حدی است که در تعیین استراتژی‌های کلان سیاست خارجی رژیم صهیونیستی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. (Mulligan, 2018: 152)

در عمل، این الگوریتم‌ها به تحلیلگران رژیم صهیونیستی کمک می‌کنند تا نقاط بحرانی در رفتار کشورهای هدف را شناسایی کنند و واکنش‌های آن‌ها به تحرکات دیپلماتیک یا نظامی را پیش‌بینی نمایند. برای مثال، سیستم‌های پیش‌بینی رژیم صهیونیستی قادرند احتمال تغییر موضع یک کشور در سازمان ملل یا میزان مقاومت آن در برابر فشارهای بین‌المللی را محاسبه کنند. این فناوری‌ها همچنین می‌توانند تأثیر تصمیمات اقتصادی مانند تحریم‌ها یا توافق‌های تجاری بر رفتار سیاسی کشورها را مدلسازی کنند. در سطحی پیشرفته‌تر، برخی الگوریتم‌های رژیم صهیونیستی حتی قادر به شناسایی ضعف‌های داخلی رقبای سیاسی و پیشنهاد بهترین زمان برای اقدامات دیپلماتیک هستند. این توانمندی‌ها به رژیم صهیونیستی مزیت قابل توجهی در عرصه روابط بین‌الملل بخشیده است. (Gao, 2024: 28)

با این حال، استفاده رژیم صهیونیستی از این فناوری‌های پیش‌بینی با چالش‌های اخلاقی و عملی همراه است. خطاهای محاسباتی الگوریتم‌ها ممکن است به تصمیم‌گیری‌های اشتباه در سطح سیاست خارجی منجر شود. همچنین، برخی منتقدان معتقدند این سیستم‌ها با کاهش نقش تحلیل انسانی، ممکن است به ساده‌انگاری در برخورد با پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل بینجامد. مسائل مربوط به حریم خصوصی و جمع‌آوری داده‌ها نیز همواره مورد بحث بوده‌اند. با وجود این چالش‌ها، رژیم صهیونیستی به توسعه و بهینه‌سازی مداوم این سیستم‌های پیش‌بینی ادامه می‌دهد، زیرا معتقد است در عصر دیجیتال، برتری اطلاعاتی برابر با برتری دیپلماتیک است. این رویکرد نوین، تحولی اساسی در شیوه تعامل رژیم صهیونیستی با بازیگران بین‌المللی ایجاد کرده است.

رژیم صهیونیستی از طریق استارت‌آپ‌ها و فناوری‌های نوآورانه خود، توانسته است نفوذ قابل توجهی در سیاست خارجی کشورهای دیگر داشته باشد. بسیاری از این استارت‌آپ‌ها در حوزه‌های امنیتی، سایبری، کشاورزی و انرژی فعال هستند و با ارائه راه‌حل‌های پیشرفته، وابستگی کشورهای مختلف به فناوری‌های رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهند. این وابستگی فناوری‌ها، به رژیم

صهیونیستی اهرمی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی و اقتصادی آن کشورها میدهد. به‌ویژه در مناطق مانند آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا، رژیم صهیونیستی با استفاده از دیپلماسی فناوری، روابط خود را تقویت کرده و مواضع سیاسی خود را تثبیت میکند. همکاریهای امنیتی و نظارتی نیز از جمله زمینهای است که رژیم صهیونیستی از طریق استارت‌آپهای خود، نفوذ خود را در سیاستهای داخلی و خارجی کشورها گسترش می‌دهد. (Freilich, 2022:5)

علاوه بر این، رژیم صهیونیستی با ایجاد شبکههای بین‌المللی از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، توانسته است ارتباطات سیاسی و اقتصادی خود را با کشورهای هدف عمیقتر کند. بسیاری از استارت‌آپهای رژیم صهیونیستی با حمایت دولت، به بازارهای جهانی راه یافته و در پروژه‌های زیرساختی کشورهای دیگر مشارکت میکنند. این مشارکتها اغلب با توافقهایی سیاسی و امنیتی همراه است که منافع رژیم صهیونیستی را تأمین میکنند. برای مثال، فروش نرم‌افزارهای جاسوسی مانند Pegasus به برخی دولتها، نه تنها درآمدزایی کرده، بلکه ابزاری برای کنترل و نظارت بر مخالفان سیاسی در آن کشورها فراهم آورده است. این اقدامات به رژیم صهیونیستی اجازه میدهد تا در پشت پرده، بر روابط بین‌المللی و سیاستهای داخلی کشورها تأثیر بگذارد.

در نهایت، رژیم صهیونیستی از طریق استارت‌آپها و فناوریهای خود، تصویری از یک کشور پیشرفته و غیرقابل انکار در عرصه جهانی ارائه میدهد که این تصویر، موقعیت سیاسی آن را تقویت میکند. بسیاری از کشورها برای دستیابی به فناوریهای روز، حاضرند روابط خود با رژیم صهیونیستی را بهبود بخشند یا حتی مواضع سیاسی خود را در قبال آن تعدیل کنند. این امر به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه مشهود است که برای حل چالشهای داخلی خود به دنبال همکاری با رژیم صهیونیستی هستند. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی از این ابزارها برای دور زدن تحریمها و ایجاد ائتلافهای جدید استفاده میکند. در نتیجه، استارت‌آپها نه تنها به عنوان موتور اقتصادی، بلکه به عنوان ابزاری کارآمد در دیپلماسی و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی عمل میکنند.

رژیم صهیونیستی از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای شکلدهی به روابط جهانی و تقویت دیپلماسی عمومی خود استفاده میکند. با حضور فعال در پلتفرمهایی مانند توییتر، فیسبوک، اینستاگرام و تیک‌تاک، پیامهای خود را به‌طور مستقیم به مخاطبان بین‌المللی میرساند و

تصویری مدرن، دموکراتیک و فناورانه از خود ارائه می‌دهد. این کشور با تولید محتوای جذاب، از جمله ویدیوهای کوتاه، اینفوگرافیکها و کمپینهای تعاملی، سعی در جلب همدردی جهانی و مقابله با روایت‌های مخالف دارد. همچنین، از طریق ارتباط مستقیم با کاربران و پاسخگویی به سؤالات، تلاش میکند تا روابط عمومی خود را بهبود بخشد. این استراتژی به رژیم صهیونیستی کمک کرده تا در فضای مجازی، حضور پررنگتری داشته باشد و افکار عمومی را به نفع خود هدایت کند.

یکی از روشهای کلیدی رژیم صهیونیستی در دیپلماسی عمومی، استفاده از اینفلوئنسرها و فعالان مجازی است که با انتشار محتوای مثبت درباره این کشور، تصویر آن را در اذهان جهانی تثبیت میکنند. این کشور اغلب از طریق سفارتخانه‌های خود، تورهای مجازی و کمپینهای تبلیغاتی، اینفلوئنسرهای بینالمللی را به رژیم صهیونیستی دعوت میکند تا از نزدیک با پیشرفتهای فرهنگ آن آشنا شوند. این افراد سپس تجربیات خود را با میلیونها دنبالکننده به اشتراک میگذارند و بهطور غیرمستقیم به تبلیغ رژیم صهیونیستی میپردازند. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی از رباتها و حسابهای سازمانیافته برای تقویت گفتمان خود در شبکههای اجتماعی استفاده میکند. این اقدامات به آن کمک میکند تا در جنگ روایتها، برتری اطلاعاتی داشته باشد و مخاطبان بیشتری را تحت تأثیر قرار دهد.

رژیم صهیونیستی همچنین از شبکههای اجتماعی برای مقابله با اخبار منفی و پاسخ سریع به انتقادات بینالمللی استفاده میکند. تیمهای دیجیتال این کشور بهصورت شبانهروزی فعالیت میکنند تا هرگونه محتوای مخالف را رصد کرده و با انتشار دادهها، گزارشها و ویدیوهای ضدروایت، واکنش نشان دهند. این استراتژی نه تنها برای کاهش تأثیر رسانههای مخالف طراحی شده، بلکه برای جذب حمایت جوانان و نسلهای جدید در سراسر جهان نیز بهکار میرود. با استفاده از هشتکهای پرطرفدار، چالشهای مجازی و مشارکت در ترندهای جهانی، رژیم صهیونیستی میکوشد تا خود را بهعنوان کشوری پیشرو و صلحطلب معرفی کند. در نهایت، این تلاشهای دیجیتال به رژیم صهیونیستی کمک میکند تا دیپلماسی عمومی خود را به شیوهای پویا و مؤثر پیش ببرد و جایگاه خود را در عرصه بینالمللی تقویت کند.

۳- سناریوهای آینده دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی در منطقه در پرتو پسا

اکتبر ۱۷

ما در اینجای پژوهش از هوش مصنوعی دیپسیک استفاده کرده و گفتمان های مبتنی بر رویکرد هوش مصنوعی به دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی در پرتو پسا ۱۷ اکتبر را در قالب چهار سناریو تحلیل نموده ایم :

سناریو شماره ۱: دیپلماسی دیجیتال سازنده و همگرا

در سناریوی اول، رژیم صهیونیستی از دیپلماسی دیجیتال خود برای تقویت همکاری و نزدیکی با کشورهای عربی منطقه استفاده می کند. پس از پایان بحران نظامی ناشی از حوادث هفت اکتبر، رژیم صهیونیستی سعی می کند با احیای توافق نامه های ابراهیم و بهبود روابط با کشورهای مثل امارات، بحرین و حتی عربستان سعودی، تصویری صلح طلب، پیشرفته در فناوری و علاقه مند به همکاری های سازنده ارائه دهد. در این راه، ابزارهای دیپلماسی عمومی دیجیتال مانند شبکه های اجتماعی، رسانه های چندزبانه و پلتفرم های تعاملی نقش کلیدی دارند. هدف اصلی در این سناریو، گسترش ارتباطات فرهنگی، اجرای پروژه های نوآورانه مشترک و ترویج ارزش های مشترک منطقه ای است. رژیم صهیونیستی می خواهد با ایجاد فضاهای دیجیتال مشترک، به ویژه برای جوانان، روابط جدید و غیررسمی با جامعه مدنی کشورهای عربی برقرار کند. پروژه هایی در زمینه محیط زیست، انرژی های پاک، سلامت دیجیتال و آموزش فناوری با همکاری مؤسسات علمی و بخش خصوصی دو طرف، به عنوان ابزاری برای دیپلماسی نرم عمل خواهند کرد. در این مسیر، دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی نه تنها برای کاهش تنش ها و سوء تفاهم ها استفاده می شود، بلکه راهی برای افزایش نفوذ فرهنگی و فناوری در منطقه نیز هست. با سرمایه گذاری هوشمند روی برند ملی، روایت های صلح آمیز و برنامه های رسانه ای مشترک، رژیم صهیونیستی تلاش می کند جایگاه خود را به عنوان یک شریک خلاق، پایدار و قابل اعتماد در منطقه تثبیت کند. در این دیدگاه، فضای مجازی نه محل درگیری، بلکه زمینه ساز گفتگو و همکاری های سازنده خواهد بود.

سناریو شماره ۲: دیپلماسی دیجیتال تدافعی و تقابلی

در سناریوی دوم، دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی حالت تدافعی و تهاجمی به خود می گیرد. پس از حوادث هفتم اکتبر و افزایش انتقادات جهانی نسبت به عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در غزه، این رژیم بیشتر تلاش خود را بر مدیریت روایت ها و دفاع از مشروعیت

سیاسی و امنیتی‌اش در فضای مجازی متمرکز می‌کند. با استفاده از حساب‌های رسمی وزارت خارجه، ارتش و نهادهای امنیتی، رژیم صهیونیستی سعی دارد خود را به عنوان قربانی تروریسم و حافظ ثبات منطقه معرفی کند. در این شرایط، جنگ روایت‌ها به بخش اصلی دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی تبدیل می‌شود. این رژیم با تولید محتوای چندرسانه‌ای، استفاده از چهره‌های تأثیرگذار فضای مجازی و بسیج دیپلمات‌های دیجیتال، تلاش می‌کند در برابر روایت‌های ضدصهیونیستی و مقاومت در سطح منطقه و جهان بایستد. تمرکز اصلی روی پاسخ به اتهاماتی مانند «نسل‌کشی»، «نقض حقوق بشر» و «استعمار مدرن» است که از سوی افکار عمومی عرب و شبکه‌هایی مثل الجزیره تقویت می‌شوند. در این وضعیت، رژیم صهیونیستی وارد یک حالت دفاع استراتژیک در فضای سایبری می‌شود و می‌کوشد با ابزارهای دیپلماسی دیجیتال، موج بی‌اعتمادی عمومی را کنترل کند. استفاده هدفمند از زبان عربی در رسانه‌ها، برگزاری جلسات مجازی با روزنامه‌نگاران و تحلیلگران عرب، و همچنین عملیات‌های اطلاعاتی در فضای دیجیتال برای شناسایی و خنثی‌سازی جریان‌های ضداسرائیلی، بخشی از این راهبرد است. این سناریو به جای تقویت همکاری‌ها، بر تحکیم گفتمان امنیتی و توجیه روایت رسمی رژیم صهیونیستی ائیل در برابر موج گسترده مخالفت‌ها متمرکز است.

سناریو شماره ۳: دیپلماسی دیجیتال فروپاشیده و انزوآگرا

در سناریوی سوم، دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی با بحران جدی مواجه می‌شود. افزایش شدید نفرت عمومی در منطقه و از دست دادن مشروعیت، باعث می‌شود تلاش‌های این رژیم برای ارتباط‌گیری از طریق فضای مجازی نه تنها بی‌نتیجه بماند، بلکه با واکنش‌های منفی گسترده‌ای روبرو شود. پس از حوادث هفتم اکتبر و به‌ویژه پیامدهای انسانی و رسانه‌ای حملات به غزه، موجی از خشم و بی‌اعتمادی در میان مردم کشورهای عربی و مسلمان به راه افتاده است. در این شرایط، حساب‌های رسمی رژیم صهیونیستی در شبکه‌های اجتماعی عربی هدف حملات سایبری، تحریم و مسدودسازی قرار می‌گیرند. صفحاتی مثل رژیم صهیونیستی به عربی که قبلاً برای نفوذ نرم استفاده می‌شد، حالا اعتبار خود را از دست داده و پیام‌هایشان یا نادیده گرفته می‌شود یا مورد تمسخر قرار می‌گیرد. در مقابل، گروه‌های مقاومت و فعالان ضدصهیونیست با استفاده از تصاویر، گزارش‌های میدانی و کمپین‌های دیجیتال، روایت رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده و فضای

مجازی را کاملاً علیه آن شکل می‌دهند. با از دست دادن تأثیرگذاری در منطقه، رژیم صهیونیستی مجبور می‌شود استراتژی خود را تغییر دهد. به جای دیپلماسی عمومی، تمرکز اصلی روی کنترل داخلی و امنیتی افزایش می‌یابد - از سانسور محتوا گرفته تا مقابله با افشاگری‌ها و استفاده از فناوری‌های نظارتی. تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی منطقه هم به حداقل می‌رسد و بیشتر به صورت پنهانی انجام می‌شود. دیپلماسی دیجیتالی که روزی ابزاری برای عادی‌سازی روابط بود، حالا در فضایی کاملاً خصمانه فقط به دنبال حفظ بقای خود است.

سناریو شماره ۴: دیپلماسی دیجیتال هدفمند و نفوذی

در سناریوی چهارم، رژیم صهیونیستی با وجود کاهش روابط رسمی با کشورهای عربی، دیپلماسی دیجیتال خود را به شکل نامحسوس اما هدفمند ادامه می‌دهد. پس از جنگ غزه و افزایش فشارهای افکار عمومی، این رژیم از روش‌های آشکار فاصله گرفته و به جای آن رویکردی زیرکانه و فناورانه را در پیش می‌گیرد. رژیم صهیونیستی در این استراتژی جدید، به جای تبلیغ مستقیم، از ابزارهای پیشرفته‌ای مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده برای شناسایی نقاط تأثیرگذاری در جوامع عربی استفاده می‌کند. آنها از طریق راه‌اندازی پلتفرم‌های ناشناس، همکاری با استارت‌آپ‌های منطقه تحت لوای شرکت‌های بین‌المللی، و ارتباط با نخبگان فناوری، به دنبال ایجاد شبکه‌های نفوذ غیرمستقیم هستند. حتی از الگوریتم‌های روانشناختی برای طراحی کمپین‌هایی استفاده می‌کنند که به تدریج نگرش جوانان عرب را تغییر دهد. در این رویکرد، نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. هدف اصلی نه ارتباطات علنی، بلکه نفوذ خاموش و کنترل اطلاعاتی در عمق جوامع منطقه است. با محدود شدن فضای مانور علنی، رژیم صهیونیستی به روش‌های هوشمندانه‌تر و پنهانی‌تر روی آورده است. به ظاهر از عرصه دیپلماسی عمومی کنار کشیده، اما در واقع با ابزارهای پیچیده‌تری به دنبال تأثیرگذاری بر افکار و روندهای اجتماعی در منطقه است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها (B Zar: 14; Bold)

سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در عصر هوش مصنوعی شاهد تحولی اساسی از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دیجیتال بوده است. این تغییر که در بستر فناوری‌های نوین شکل گرفته، ساختارهای کلاسیک تعاملات بین‌المللی را دستخوش دگرگونی کرده است. رژیم صهیونیستی با درک ضرورت‌های جهان دیجیتال و رقابت‌های فناورانه، کوشیده است تا رویکردهای دیپلماتیک خود را با ابزارها و پلتفرم‌های جدید همسو کند. این ساختار سیاسی با استفاده از هوش مصنوعی، فضای سایبری، تحلیل کلان‌داده‌ها و شبکه‌های اجتماعی، توانسته تصویر دیپلماتیک خود را نه فقط در سطح حکومت‌ها، بلکه در میان مردم جهان تقویت کند.

دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی امروزه تنها به عنوان ابزاری برای تبلیغات یا روایت‌پردازی عمل نمی‌کند، بلکه به بستری برای جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی سیاست‌های بین‌المللی و سنجش افکار عمومی در دیگر کشورها تبدیل شده است. به عبارت دیگر، کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی در دیپلماسی رژیم صهیونیستی، آن را از سطح فعالیت‌های رسانه‌ای فراتر برده و به عرصه تصمیم‌سازی‌های راهبردی کشانده است. این تحول به رژیم صهیونیستی امکان داده تا سیاست خارجی خود را نه بر اساس واکنش‌های لحظه‌ای، بلکه با نگاهی کنشی و آینده‌نگر طراحی کند.

شاید مهم‌ترین ویژگی این تغییر، گذار از دیپلماسی نخبه‌محور به تعامل چندجانبه با طیف گسترده‌تری از مخاطبان باشد. در حالی که دیپلماسی سنتی بر ارتباطات محدود و رسمی میان مقامات دولتی متمرکز بود، دیپلماسی دیجیتال رژیم صهیونیستی با خطاب قرار دادن عموم مردم در سراسر جهان می‌کوشد تا مشروعیت و حمایت افکار عمومی را نیز به دست آورد. این رویکرد

با فعالیت گسترده دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر، فیسبوک، اینستاگرام و تیک‌تاک همراه شده است؛ فضاهایی که پیام‌ها در آن به سرعت منتشر می‌شوند و امکان واکنش فوری را فراهم می‌کنند.

در بعد فنی، استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای پردازش کلان‌داده‌ها، رصد رفتار کاربران در شبکه‌های اجتماعی و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای دیپلماتیک، به رژیم صهیونیستی امکان واکنش سریع‌تر و دقیق‌تر به تحولات بین‌المللی را داده است. تحلیل احساسات عمومی در کشورهای هدف، پیش‌بینی روندهای ژئوپلیتیک و حتی تنظیم پیام‌های دیپلماتیک بر اساس سلاقی مخاطبان، از جمله قابلیت‌هایی است که دیپلماسی سنتی از آن بی‌بهره بود. این پیشرفت‌ها، تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده را جایگزین برداشت‌های ذهنی و شهودی کرده است.

با این حال، دیپلماسی دیجیتال برای رژیم صهیونیستی چالش‌هایی نیز به همراه داشته است. تهدیدات امنیت سایبری، گسترش اطلاعات نادرست و مقاومت افکار عمومی در برابر پیام‌های رسمی از جمله این مشکلات محسوب می‌شوند. همچنین، تنش میان سرعت عمل در دیپلماسی دیجیتال و نیاز به تأمل عمیق در دیپلماسی سنتی، در برخی موارد ممکن است به خطاهای راهبردی بینجامد. رژیم صهیونیستی سعی کرده با ایجاد تعادل میان این دو روش، از مزایای فناوری‌های جدید بهره‌برداری کند و بدون آنکه از اصول پایه‌ای دیپلماسی فاصله بگیرد.

تجربه رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که تصور آینده سیاست خارجی بدون درک عمیق از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی دشوار است. دیپلماسی دیجیتال نه به عنوان جایگزین، بلکه در نقش مکملی برای دیپلماسی سنتی ظاهر شده که ظرفیت‌های آن را گسترش می‌دهد. این فرآیند تحول اگرچه با ریسک‌هایی همراه است، اما در صورت مدیریت هوشمندانه می‌تواند به افزایش نفوذ و قدرت نرم یک کشور در صحنه جهانی بینجامد. رژیم صهیونیستی با شناخت این فرصت، گام‌هایی در جهت بازتعریف نقش خود در عرصه سیاست جهانی برداشته و الگویی جدید از دیپلماسی مبتنی بر داده، مشارکت عمومی و واکنش سریع ارائه کرده است.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که دستگاه سیاستگذار ایران نیز اقدامات زیر را با جدیت بیشتری در دستور کار قرار دهد.

- ایجاد دیپلماسی عمومی دیجیتال برای جهان اسلام و منطقه

ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی دیجیتال، نقش فعال‌تری در شکل‌دهی به افکار عمومی جهان اسلام و منطقه ایفا کند؛ این اقدام از طریق راه‌اندازی پلتفرم‌های چندزبانه، تولید محتوای هدفمند و استفاده از هوش مصنوعی برای تحلیل و هدایت پیام‌ها امکان‌پذیر است. با توسعه روایت‌های فرهنگی، تاریخی و سیاسی که مبتنی بر ارزش‌های مشترک اسلامی و منطقه‌ای باشند، ایران می‌تواند تصویر خود را در میان ملت‌های مسلمان بهبود بخشد و از این طریق در برابر روایت‌های رقیب، به‌ویژه آن‌هایی که توسط رژیم صهیونیستی و متحدانش در فضای مجازی هدایت می‌شوند، گفتمان‌سازی مؤثری انجام دهد. در این مسیر، استفاده از اینفلوئنسرهای بومی، شبکه‌سازی با نخبگان فرهنگی و بهره‌گیری از الگوریتم‌های داده‌کاو برای شناخت ذائقه مخاطب نقش اساسی خواهد داشت.

- آموزش دیپلمات‌ها در حوزه فناوری دیجیتال و هوش مصنوعی

آموزش دیپلمات‌ها در حوزه فناوری دیجیتال و هوش مصنوعی برای ایران ضرورتی راهبردی است که می‌تواند سطح کارآمدی سیاست خارجی را متناسب با تحولات جهانی ارتقاء دهد. دیپلمات‌های ایرانی باید با مفاهیم کلیدی مانند کلان‌داده، الگوریتم‌های تحلیل رفتاری، امنیت سایبری، سازوکار شبکه‌های اجتماعی، و کاربردهای هوش مصنوعی در پیش‌بینی روندهای سیاسی و دیپلماسی عمومی آشنا شوند تا بتوانند در عرصه تعاملات بین‌المللی، به‌ویژه در محیط دیجیتال، نقشی مؤثر ایفا کنند. این آموزش‌ها می‌تواند در قالب دوره‌های مشترک میان وزارت امور خارجه، دانشگاه‌ها، و مراکز فناوری انجام گیرد و منجر به تربیت نسلی از دیپلمات‌ها شود که علاوه بر تسلط بر روابط بین‌الملل، توانایی بهره‌برداری از ابزارهای فناورانه نوین در تحلیل، تصمیم‌گیری و پیام‌رسانی هدفمند را داشته باشند.

- بازتعریف امنیت ملی در برابر جنگ شناختی

بازتعریف امنیت ملی در برابر جنگ شناختی برای ایران مستلزم آن است که تهدیدات نرم‌افزاری، اطلاعاتی و روانی که از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای هوش مصنوعی

اعمال می‌شوند، به‌عنوان بخش جدی از تهدیدات امنیتی تلقی شود و متناسب با آن ساختارها، راهبردها و قوانین بازنگری گردند. در این چارچوب، ایران باید ضمن تقویت توانمندی‌های بومی در حوزه تحلیل داده، شناسایی الگوهای عملیات روانی دشمن و توسعه ابزارهای مقابله هوشمند، هماهنگی نهادهای فرهنگی، امنیتی، اطلاعاتی و دیپلماتیک را در قالب یک راهبرد ملی جنگ شناختی بازطراحی کند. این رویکرد باید به گونه‌ای باشد که نه تنها از نفوذ روایت‌های دشمن جلوگیری کند، بلکه با ایجاد روایت‌های بدیل، توان تهاجمی در عرصه شناختی را نیز برای ایران فراهم آورد... (B Zar: 12)

(B Zar: 13; Bold) تضاد منافع

تعارض منافع ندارم کفایت می‌کند. (B Zar: 12)

(B Zar: 13; Bold) قدردانی

حامی مادی و معنوی ندارم (B Zar: 12)

References

- Gil de Zúñiga, H., Goyanes, M., & Durotoye, T. (2023). A Scholarly Definition of Artificial Intelligence (AI): Advancing AI as a Conceptual Framework in Communication Research. *Political Communication*, 41(2), 317–334. <https://doi.org/10.1080/10584609.2023.2290497>
- Nelwan, M., Friso-van den Bos, I., Vissers, C., & Kroesbergen, E. (2021). The relation between working memory, number sense, and mathematics throughout primary education in children with and without mathematical difficulties. *Child Neuropsychology*, 28(2), 143–170. <https://doi.org/10.1080/09297049.2021.1959905>
- Krasner SD. Power politics, institutions, and transnational relations. In: Risse-Kappen T, ed. *Bringing Transnational Relations Back In: Non-State Actors, Domestic Structures and International Institutions*. Cambridge Studies in International Relations. Cambridge University Press; 1995:257-279.
- Aulia Marcella, R. (2022). The Implementation Of U.S Foreign Policy Towards Gaza Strip. *Aptisi Transactions on Technopreneurship (ATT)*, 4(1), 25–34. <https://doi.org/10.34306/att.v4i1.220>
- Bassant Hassib, James Shires, Digital recognition: cybersecurity and internet infrastructure in UAE-Israeli diplomacy, *International Affairs*, Volume 100, Issue 6, November 2024, Pages 2399–2418, <https://doi.org/10.1093/ia/iaae233>

- Tanvir, R., & Abbas, S. Q. (2024). Evolving Balance of Power in the Middle East: Iran-Israel Standoff Shaping Iranian Foreign Policy. *Global Political Review*, IX(III), 77-84. [https://doi.org/10.31703/gpr.2024\(IX-III\).08](https://doi.org/10.31703/gpr.2024(IX-III).08)
- Lubin, Asaf, Cyber Insurance As Cyber Diplomacy (October 11, 2020). Asaf Lubin, Cyber Insurance as Cyber Diplomacy, *Cyber War & Cyber Peace in the Middle East: Digital Conflict in the Cradle of Civilization* pp.22-37 (Michael Sexton and Eliza Campbell eds., Middle East Institute, 2020)., Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3709322> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3709322>
- Syafaat, Z. W. P. (2024). Israel's efforts to improve status in the international system through the Abraham accords. *Jurnal Inovasi Ilmu Sosial Dan Politik (JISoP)*, 6(2), 116–125. <https://doi.org/10.33474/jisop.v6i2.22043>
- Shalash, L. S. I. . (2023). The Israeli Digital Diplomacy Directed to the Arabs: An Analysis of the "Israel speaks Arabic" Facebook Page. *Journal of Al-Tamaddun*, 18(1), 245–263. <https://doi.org/10.22452/JAT.vol18no1.20>
- Song, Y., & Shu, M. (2024). Decoding Israeli New Media's Public Diplomacy Maneuvers within the Chinese Social Media Landscape. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 18(4), 410–428. <https://doi.org/10.1080/25765949.2025.2476321>
- Mulligan, J. et al. (2018). Whole Number Thinking, Learning and Development: Neuro-cognitive, Cognitive and Developmental Approaches. In: Bartolini Bussi, M., Sun, X. (eds) *Building the Foundation: Whole Numbers in the Primary Grades*. New ICMI Study Series. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-63555-2_7
- Gao,J.;Ye,X. (2024). Economic diplomacy: Analyzing theories and models for informed policy. *Theoretical and Natural Science*,36,42-47.
- Freilich, C. (2022). Israel's Tough Choices in a Turbulent World. *Israel Journal of Foreign Affairs*, 16(1), 3–7. <https://doi.org/10.1080/23739770.2022.2064067>
- Tabansky, L., Ben Israel, I. (2015). The National Innovation Ecosystem of Israel. In: *Cybersecurity in Israel*. SpringerBriefs in Cybersecurity. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-18986-4_3
- Manor, I., & Huang, Z. A. (2022). Digitalization of public diplomacy: Concepts, trends, and challenges. *Communication and the Public*, 7(4), 167-175. <https://doi.org/10.1177/20570473221138401> (Original work published 2022)
- Paltieli, G. Visions of innovation and politics: Israel's AI initiatives. *Discov Artif Intell* 2, 8 (2022). <https://doi.org/10.1007/s44163-022-00024-6>
- Al-Jarf, R. (2025). AI Translation of the Gaza-Israel War Terminology . *International Journal of Linguistics, Literature and Translation*, 8(2), 139-152. <https://doi.org/10.32996/ijllt.2025.8.2.17>
- Silva Jr. JB, Lima NT, Haddad AE, Gross Galiano S, Garcia Saiso S, Valdez ML, et al. From national and regional commitments to global impact: artificial intelligence for equitable public health at the G20. *Rev Panam Salud Publica*. 2024;48:e73. <https://doi.org/10.26633/RPSP.2024.73>

- Farhangi, Ali Akbar; Ghoraati, Alireza; Karbalaeei Haji Oghli, Hassan (2015). Digital Diplomacy and Relations among States in Contemporary Societies. Quarterly Journal of Media Studies, Vol. 9, No. 24, pp. 89–99.(in Persian)
- Khani, Mohammad Hassan (2005). Cultural Diplomacy and Its Place in the Foreign Policy of States Political Science Quarterly, Vol. 1, No. 2, pp. 135–148.(in Persian)
- Tabe Afshar, Sanaz; Barzegar, Keyhan (2016). Neoclassical Realism and U.S. Foreign Policy: A Theoretical Analysis of Understanding U.S. Foreign Policy. Quarterly Journal of Political and International Approaches, Vol. 8, No. 1, pp. 42–70.(in Persian)
- Moghavemi, A. R., & Safari, A. (2025). The Zionist regime's strategic ties to the Republic of Cyprus and its risks to the resistance axis (A study of how the Republic of Cyprus played a role in the Gaza war). Security Horizons, 18(66), 39-71.(in Persian)
- Moghavemi, A., & Javdani moghadam, M. (2022). An Analysis of the Causes and Goals of the UAE in Normalizing Relations with the Zionist Regime and Its Consequences on the National Security of the Islamic Republic of Iran. Security Horizons, 15(55), 189-225.(in Persian)